

ویژه نامه کردستان

در کردستان چه می گذرد؟ صفحه ۷

درباره اعدام دکتر رشوند سرداری

صفحه ۳

صفحه ۵

اخبار کردستان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۸

پیکار

دوشنبه دوازدهم شهریور ماه ۱۳۵۸ بهار: ۱۰ ریال

دست امپریالیسم از آستین هیئت حاکمه بیرون آمده (درباره شهادت هرمزگرچی بیانی)

قدرت حاکمه از طریق وسائل ارشاد جمعی که کاملاً در انحصار او می باشد، بر علیه هرمز و سایر مبارزینی که بطرز وحشیانه و ضد انقلابی اعدام شده اند اثر معکوس خواهد داشت. آنها هرگز به هرمز و هرمزها بصورت یک "خائن" و "ضد انقلاب" تصور که خائنین و ضد انقلابیون معرفی می کنند، بقیه در صفحه ۷

در میان اعدام شدگان گروه اول روز - های اخیر (گروه یازده نفره) که به بهانه اغتشاش در پاوه اعدام شدند، نام شهید "هرمزگرچی بیانی" نیز به چشم می خورد. اعدام ضد انقلابی و فاشستی او که به بهانه های واهی صورت پذیرفت، قلب تمام دوستان، آشنایان و دانش آموزان او را سخت دردمند کرد. نینیمار ارتجاعی

سرمقاله خلق کرد تسلیم نه میشود

کشور ما و سرنوشت انقلاب شده های ستمدیده ما از جهات متعدد بر لبه پرتگاه است. فاحشه کردستان یکی از نمودهای عملکرد قدرت حاکمه در رابطه با مسائل حاد جامعه ماست. آنها کوشش می کنند این عملکردهای فاجعه آفرین خود را در زیر شعارها و هیاهوی بسیار مخفی کنند از توطئه خارج و داخل و خائنین و... سخن می گویند و با استعاده از حربه عواطف و احساسات دسی مردم نا آگاه می کوشند قضا را وارونه نشان دهند اما روز بروز حقایق بیشتر بر مردم آشکار می شود. و توطئه گران واقعی بیشتر افشاء می شوند. زیرا "عمل وارونه زدن" ممکن است برای ضد انقلابیون نقابدار داروئی ممکن باشد اما مسلماً درمان نخواهد بود.

خلفهای ستمدیده ایران که سالیان دراز، ستم مضاعف طبقاتی و ملی را تحمل کرده اند با شرکت فعالانه در امر انقلاب انتظار داشتند که یک حکومت انقلابی معتقد به سبادهای دموکراتیک حاکمترین رژیم دیکتاتوری و وابسته به امپریالیسم شاه گردد و در قدمهای نخستین خود، حقوق ملی خلقهای ستمدیده کشور را به رسمیت بشناسد و امکانات لازم برای استقرار خودمختاری آنها را در چهارچوب ایران واحد، مستقل، آزاد و دموکراتیک هرچه سریعتر و مناسبتر فراهم نماید تا بدینوسیله نیروی به بند کشیده خلقهای ستمدیده در چین جو آزاد و دموکراتیک بتواند رها شود، تکوفا گردد و متحد با دیگر خلقهای ایران، کشوری سعادتمند و بیرومند در این گوشه از جهان حیات نوین خویش را از سرگیرد.

اما برخورد قدرت حاکم با مسئله خلقها و بویژه کردستان چگونه بود؟ این بقیه در صفحه ۲

چه کسانی مشمول اعدامهای فاشیستی میشوند

مردم می پردا زد و اعدامی ناجوانمردانته صورت می گیرد

در جائیکه دکتر شیخ الاسلام زاده چانی دوران بهلوی بعنوان استفاده از تخصص زنده می ماند دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری پزشکی که در حوادث نهاوند، سنندج نرده و گنبد کاووس به کمک مجروحان جنگ شتافته بود این چنین مقابل جوخه اعدام قرار می گیرد.

ما خواهان بررسی این اعدامهای فاشیستی و محکوم نمودن ظالمان آن هستیم.

"گروهی از پزشکان و وزیدنتهای بیمارستانهای تهران"

طبق خبری که از رسانه های گروهی مبنی بر اعدام ۹ نفر در پاوه منعکس شد، دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری متولد تهران بعنوان محاربه با خدا اعدام گردید. دکتر رشوند سرداری پزشک جراح بیمارستان لقمان الدوله اد هم که تمام زندگی خود را وقف خدمت به خلق در لباس پزشکی کرده بود روز جمعه ۵۸/۵/۲۶ ساعت ۸ شب از تهران از پاوه شد تا به کمک مجروحان جنگ پاوه بپردا زد. (بنابراین هرگونه اتهامی مبنی بر دخالت وی در جنگ ناخواسته پاوه مردود است) ولی ارتجاع بار دیگر به سرکوب خدمتگزاران واقعی

پزشکان و پرستاران بیمارستانهای تهران قاتلین جانیکار دکتر رشوند سرداری را رسوا میکنند!

پرستاری بیمارستانهای تهران نمیتوان اعتراض به اعدام ضد انقلابی شهید دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری پزشک جراحی که در حوادث پاوه به خاطر همکاری با خلق کرد بقیه در صفحه ۴

گردم آبی پزشکان و پرستاران در رابطه با اعدام ضد انقلابی دکتر رشوند سرداری:

امروز گروه کثیری از پزشکان و وزیدنتها و دانشجویان پزشکی و کادرهای

بقیه از صفحه ۱ **بقیه سرمقاله**

قدرت حاکم که نه مولود به شمر رسیدن انقلاب دموکراتیکند امپریالیستی خلقهای ما بلکه حاصل نیمه کاره مانده آن و سازش امپریالیسم با نوروژوازی لیبرال و نماینده گان خرده بورژوازی مرفه بود، از همان ابتدا عجز خود را نسبت به خلقها نشان داد و هیچ قدمی سمت حل اساسی آن بر نداشت (و نمی توانست هم بردارد).

خلق کرد که دهها سال سابقه مبارزه سیاسی و نظامی در راه احقاق حقوق عادلانه خود دارد با حس سینت کامل، در ماههای اول پس از سقوط رژیم شاه، پیشنهادها و عملی و مشخصی را به دولت مرکزی ارائه داد. هدفها و پیشنهادها مشخصاً ضد امپریالیستی ضد فئودالی و در جهت بهبود اوضاع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کردستان بود و تمام شرایط تضمین کننده وحدت سراسری ایران در آنها در نظر گرفته می شد و هیچگونه شائبه تجربه طلبی در آنها نمی توانست راه یابد. از پیشنهادها شیکه به هیئت اعزامی دولت به ریاست داریوش فروهر ارائه شد گرفته تا مذاکراتی که با هیئتی بریاست آیت الله طالقانی در کردستان انجام شد و نیز مذاکراتی که هیئتهای کرد با دولت در تهران و در قم با آیت الله خمینی داشتند و بالاخره در بحثها و مقالات و پیشنهاداتی که از سوی گروههای مترقی کرد و غیره مطرح شد، درهمه اینها چشم انداز آینده ای دموکراتیک برای خلقهای ایران، منجمله خلق کرد ترسیم می گشت. اما بسیم دولت و قدرت حاکم با اینهمه مسائل و پیشنهادها چه برخوردی داشته است؟

در درجه اول و بطور ریشه ای حق خلق کرد را در تعیین سرنوشت خود و حق خود - مختاری، برسمیت شناخت.

قدرت حاکم نه تنها با پیشنهادهای عادلانه ارائه شده، سیاست "از این گوش بگیر و از آن گوش درکن" را دنبال کرده بلکه با این پا آن پا کردن، با عدم اجرای حتی وعده های نیم بند، با حمایت از گروههای مرتجع و دست نشانده مانند قیاده موقت و فئودالهای محلی، با بحال خود گذاردن و ساز گذاردن دست ساواکیها و عمال رژیم گذشته در دامن زدن به اختلافات محلی و بوجود آوردن فجایعی مانند برادر کشی در نقده و ...، راه را بر حل انقلابی مسئله کردستان بطور تمام و کمال بست.

و هنگامیکه پس از ماهها انتظار و درخواست و پیشنهاد، باز هم خلق کرد همچنان محذانه به مطالبه حقوق حقه خود ادامه داد هیئتی از طرف دولت بریاست مصطفی چمران راهی کردستان شد. او صریحاً از قیاده موقت عامل بی چون و چرای ارتجاع و امپریالیسم

(بشهادت نامه بارزاتی به کیسینجر فوورد و تقاضای کمک از آنها) حمایت کرده آنها را "مهمان دولت ایران" خواند و خطاب به مردم حق طلب کردستان گفت که هم برای بزم آمده است و هم برای رزم! و پس از آن کشتارهای مریوان است و سنج و سقز

و خائنینی که لباس انقلاب بتن کرده اند، انقلابیون راستین را به تهمت "فدائولابی بودن" به جوخه اعدام می سپارند... شهادت "گرچی" معلم مبارز و "دکتر ابوالقاسم رشوند" و فوج فوج اعدامیهای روزهای اخیر در کرمانشاه و نقاط مختلف

هدف از نغمه توطئه در کردستان برای قدرت حاکمه:

- با یمال کردن حقوق عادلانه خلق کرد و دیگر خلقها.
- سرکوب کمونیستها و نیروهای مترقی.
- سازماندهی جدید ارتش و آزمایش کارآئی آن.
- منصرف کردن مردم از آشی که در مجلس خبرگان بخته می شود.
- خفه کردن صدای آزادیخواهان و توقیف مطبوعات مترقی.

و محاصره شهرها و دهات کردستان و بسیج توده های ناآگاه تحت عنوان مبارزه با "توطئه و تجزیه و الحاد و مقصدیسی" و جوخه های اعدام برای نابود کردن نیروهای مترقی و کمونیستها و اتهامات ناروا بی حساب علیه شخصیت های کرد و راه انداختن تظاهرات و شعارهای خونخوارانه و کینه توزانه و فاشیستی نظیر "حزب دموکرات را به خاک و خون می کشیم" و بعد جوانان بی گناه و پاسداران را که عموماً طوسی مسازات سال گذشته به انقلاب روی آوردند تحت عناوین وهمی و دروغین به کردستان ارسال کردن که با مردم بیگناه را بکشند یا خود کشته شوند...

خانواده های این پاسداران از خسود می پرسند که خون این کشتگان بعهده کیست؟ قدرت حاکم برای توده های ناآگاه - کسه به تدریج آگاه و آگاه تر می شوند - چنین وانمود می کند که مردم و پاسداران و ارتش را علیه "پالیزبان" ها بسیج می کند. خلق کرد بارها فریاد برآورده است که این یک دروغ محض است اما این دروغ و دروغهای دیگر (نظیر آتش زدن خرمن بوسله گروههای مترقی و انقلابی و یا تعطیل کارخانه ها به وسیله آنان و با تهمت زدن به آزادیخواهان که آنها آزادی عشرتکده ها را می خواهند!) را کسانی علتاً و با مدای بلند و هر روز تکرار می کنند که صدها آیه و حدیث در حرام بودن دروغ را از حفظ دارند. البته این امر شعبی ندارد زیرا آنچه تعیین کننده است منافع طبقاتی است نه هیچ چیز دیگر. حقوق عادلانه خلق کرد چنان ثابت و روشن است که با منسوب کردن آن به توطئه های پالیزبان خائن و یا انحرافات فلان و بهمان گروه با یمال شدنی نیست. امروز، "پالیزبان" ها و "ثابتی" ها در خیابان ها و ادارات امنیتی جدید با همان شیوه ها و اهداف گذشته مشغول بکارند (چرا که هم شکنجه و ... وجود دارد و هم کمونیستها و مجاهدین در زندان و تحت تعقیبند)

کردستان خواهد دردناک این فجایع اند. و از سوی دیگر قانون شوم به اصطلاح اعدام علیه امنیت کشور برجاست و در حالیکه مهاجرانی ساواکی و خائن و امثال پسر - شمار او فقط به خلق لباس! محکوم می شوند و شیخ الاسلام زاده ها از اعدام نجات می یابند، انقلابیونی را در خوزستان و کردستان صرفاً بخاطر کمونیست بودن و دفاع از خواسته های ملی خلقهای ایران، به جوخه اعدام سپرده می شوند، با کسانی را صرفاً بخاطر داشتن کتابها و مجلات کمونیستی به زندان می اندازند و ... فرماندهانسی مزدور که در تمام مدت انقلاب بروی مردم کلوله باریدند و حتی ۸ روز پس از قیام مسلحانه ۲۱ بهمن همچنان در یادگانه های خود از شاه قراری دفاع می کردند بر سر کار هستند و سرمایه دارانی که با خون کارگران میلیونها تومان در جیب دارند مورد احترام اند ولی "دادگاهها" ساطور خود را بالای سر کمونیستها و انقلابیون گرفته اند.

قدرت حاکم آتش جنگ را زمانی در سنجج برمی افروزد که طبق اخبار موشق و بر خلاف ادعای دستگاههای دروغباز کسی رژیم آن شهر در آرامش کامل بوده است. اقدامات قدرت حاکم طی چند ماه گذشته جو را چنان حساس و فضا را چنان قابل اشتعال در آورده است که با کوچکترین تحریکی یک نقطه از کردستان در جنگ داخلی غرق می شود. قدرت حاکم که "انقلاب را هرگز بوجود نیاورد بلکه سرانجام آنها را با اخبار پذیرفت" چاره ای ندارد جز آنکه حتی برای اهداف ضد انقلابی خود از نام انقلاب سو استفاده کند چرا که توده ها به چیزی جز به انقلاب ایمان ندارند. این امر در عین حال که نشان دهنده قدرت انقلاب در بین توده ها است خطیر بودن سو استفاده از آن را نیز نشان میدهد.

★ ★ ★

انقلاب بر توان توده ها و قیام بهمن
بقیه در صفحه ۳

اعدام دکتر ابوالقاسم (داریوش) رشوند سرداری پزشک انقلابی

سه شنبه ۲۵ مرداد ۵۸ دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری جراح بیمارستان لقمان - الدوله ادهم تهران را در باوه تیرباران کردند.

رادیوو تلویزیون و روزنامه‌های دولتی او را صد انقلاب نامیدند. حاکم شرع او را محارب با خدا خواند.

دکتر رشوند سرداری یک پزشک انقلابی بود. زندگی او در خدمت خلق بود و در خدمت به خلق شهید شد.

دکتر رشوند سرداری در تمامی روزهای سیاه رژیم شاه خاش که گلوله‌های امپریا - لیسیم سینه مردم قهرمان ایران را میشکافت،

با کوشش پیاپی ناپذیر و با اعتقاد بسه مبارزه خلق قهرمان بر علیه دیکتاتسوری و امپریالیسم، در اطاق عمل در خدمت

فرزندان خلق بود. زیر گلوله‌های ارتش و ساواک شاه، با گروه امداد آیت‌الله

طالقانی به نهاوند رفت. و مردم ستم‌دیده آن شهر را یاری داد. نوروز را بسا

زحمیان و مجروحان سندیج بود. در سخت‌ترین شرایط به کمک مجروحان گنبد رفت. جمعه ۲۶ مرداد، ساعت ۸ شب دکتر رشوند از

تهران رفت تا به مردم ستم‌دیده پاوه یاری دهد. صبح سه شنبه به موجب حکم حاکم شرع همان گلوله‌هایی که بهترین فرزندان خلق

را در دوران دیکتاتوری شاه خاش بخون می کشد، دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری این فرزند قهرمان خلق را از پای در آورد.

دکتر رشوند در سفر پاوه خطر را در پیش می دید. هر سفر او برای مجروحان خلق

برمخاطره بود. اما این خطر میدان جنگ نبود که دکتر رشوند ۲۷ ساله را از پای در آورد. این پزشک انقلابی را به جرم

اعتقاداتش و سه اتهام عضویت در سازمانی سیاسی که با آن نسبت و رابطه‌ای نداشت به

حون کشیدن، امپریالیسم هرور به چهره‌ای درمی آید و اس بار نیز با نقاب انقلاب

فرزندان را ستین انقلاب را به خون می کشد. خلق قهرمان در مبارزه با امپریا - لیسیم بروم‌سندترین فرزندان خود را فدای کرده است و تا بیرونی کامل قهرمانانه به این مبارزه ادامه خواهد داد.

کروهی از برنکان و برستاران بیمارستانهای تهران

۵۸/۶/۱

مذهبی قطعات گسیخته‌اش را با ولای بیسم وصل کرد و لایه‌های ستم‌دیده و انقلابی

ذرون ارتش مانند همافران و سربازان را "سرجای خود" نشاند و با تصفیه و محاکمه

کرد. قدرت حاکم علیرغم ادعاهای اولیه خود مبنی بر اینکه "وظیفه ارتش حفظ

سرحدات است نه دخالت در مسائل داخلی"، ارتش را به سرکوب خلق کرد و ادار می کند

یعنی همان کاری که رژیم شاه می‌کند. ۴ - همزمان با تشکیل "مجلس خبرگان"

و تصویب قانون اساسی برای اینکه ذهن مردم متوجه مسائل دیگر نشود و اصلاً

نخه‌مند که چه برسر آنان می آید باید نغمه - ای دیگر و یا سروصدای هرچه بیشتر ساز کرد

و با همان "سنگ" پرتاب شده این نشانه را هم زد! (هرچند دیگر این نشانه در

اوضاع و احوال کنونی نشانه مهمی نباشد) ۵ - در رابطه با تحقق همه این هدف -

های ضد مردمی باید روزنامه‌های مترقی را که منعکس‌کننده صدای زحمتکشان اند بست

و اجتماعات نیروهای مترقی و آزادی بیان و قلم را با هروسيله‌ای از تحریم غیر -

مستقیم گرفته تا قانون مطبوعات آقای احسان نراقی (فرد سرسپرده رژیم سابق و

دوست نزدیک آقای بنی صدر که به پاس همین دوستی نه تنها از زندان آزاد شده بلکه

به "کار" خود ادامه می دهد) و چماق - بدستان و هوجی های لومین سرکردگی -

"زهرخانم" ها و بالاخره دستگیرگری مسئولین و کارگران و حتی فرزندگاران

روزنامه‌ها و تهدید به محاکمه آنان، ممنوع و قدغن نمود. واقعاً چه چیز برای

دیو ارتجاع از شعاع نور حقیقت خطرناکتر است؟ ...

آری، این است آنچه جریان دارد. اما توده‌های آگاه، با چشمان باز خویش،

برای ارتجاع و امپریالیسم عاقبت خوشی نمی بینند. توده‌های آگاه و نیروهای

مترقی نماینده زحمتکشان این وقایع و برخوردها را درسه‌های تازه‌ای در راه دراز و دشوار پیروزی زحمتکشان می دانند. راهی که جز با آگاهی هرچه بیشتر، یا تشکل و

بقیه از صفحه ۲ بقیه سر مقاله

ماه چنان تزلزلی در ارکان رژیم وابسته به امپریالیسم شاه انداخت که بخش‌های

مهمی از آن، منجمله نظام سلطنتی را به زیاده‌دان تاریخ پرتاب کرد اما بدلیل

ناتمام ماندن انقلاب، بنیان رژیم وابسته به امپریالیسم نابود نشد و قدرتمندان پس

از قیام، تاکنون قریب ۲ ماه است که کوشیده‌اند به ترمیم برخی شکافها و

پارگیهای آن اقتصاد و نظام وابسته بپردازند و با مصالح دست نخورده و باقی

مانده گذشته همان ساختمان را گیرم بسا نمائی دیگر برپا سازند. آری آنها کوشش

خود را کرده‌اند اما بدلیل جو انقلابی موجود موفقیت چندانی در تثبیت وضعیت

نداشته‌اند، این است که نغمه‌های دیگر ساز کرده‌اند: نغمه توطئه در کردستان و بسیج

وسیع توده‌های ناآگاه علیه خلق کرد و علیه کلیه نیروهای مترقی که در سر، آرمانهای

انقلاب توده‌ای را می پروراندند و تا پسای جان در راه آن می ایستند. اما این نغمه

و این دست‌آویز، باید کدام درد هیئت حاکمه را درمان کند؟

۱ - خواستهای ملی خلقهای ستم‌دیده که بصورت مانعی در راه گسترش حاکمیت -

بورژوازی وابسته و همدستان وی در آمد سرکوب شود.

۲ - کمونیستها و نیروهای مترقی و انقلابی که بارها ادعا شده است که یکی دو

درصد بیشتر نیستند اما قدرت منطقی و پیگیری آنها در امر انقلاب و روبه رشد

بودن پایگاه آنان که عبارت است از طبقه کارگر و دهقانان و دیگر زحمتکشان، لزره

بر اعدام بورژوازی انداخته است، بایسد سرکوب شوند. چون این "یک درصد" از آن

"اقلیتهایی" است که قدرت تاریخی آن - بخواهند یا نخواهند - بر به اصطلاح اکثریت

می چربد. این است که باید هرچه زودتر ولو با برچسب "ضد انقلابی" هم که شده سرکوبش

کرد، و در اجرای این سیاست همراه با هزار خدعه و خیمه شب بازی مراکز علنی سازمان -

های انقلابی را - که دستاورد قیام بود - از آنان گرفت.

۳ - ارتش این چماق سرکوب طبقات حاکم دوران گذشته را که با قیام دلیرانه

همافران و تاثیر مبارزات توده‌ها در صفوف پائین ارتش، بدست ترک برداشته و علیرغم

تلاشهای فراوانی که تاکنون بوسیله فریدها و شاکرها و فلاحی‌ها بکار برده شده هنوز

قابل اطمینان نیست. باید با نمائینی دیگر و با تکیه بر فرمان امام و فتوای

خلق کرد خود مختاری می‌خواهد نه جنگ

بقیه از صفحه ۱

بزرگان و پرستاران

توسط دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و پس از جوخه اعدام سپرده شد در خیابان جلوسوی وزارت بهداشتی اجتماع کزده و با در دست داشتن پلاکاردهایی در جهت اعتراض به این عمل غیرانسانی و عکس‌هایی از آن شهید مرآتب انزجار و شمع خود را اسراز کرده و از مقامات مسئول دولتی و وزارت بهداشتی خواهان رسیدگی و پاسخ کوبی به این حرکت ضد انقلابی شدند.

این گروه‌هایی از یکی دوروز قبل اطلاع داده شده بود و همانگونه که انتظار می‌رفت و چندان هم بسابقه نیست گروهی عناصر را آگاه و کسانی که خواسته و ناسا - خواسته بازجه دست‌انربالیسم و ارتجاع شده‌اند در اطراف نفوذ بزرگان و پرستاران جمع شده و شروع به دادن شعارهای همیشگی خود (حزب فقط حزب‌الله و الله اکبر) کردند.

در این جریان عده‌ای از پاسداران مسلح در اطراف اجتماع کسندگان جمع شده و ناظر اتفاقات بودند. در این بین به کرات از طرف همان گروه مرتجع که در اطراف محل تجمع بودند الفاظ مستهجن و رکیک به بزرگان نسبت داده میشد و در چندین مورد هم به ایراد ضربیه تظاهر کنندگان انجام میداد. ضمناً حدود یک ساعت از طرف گروه مزبور به محتمعین اولتیماتوم داده شد که متفرق شوند و الا ایشان به زور متوسل شده و آنها را بپراکنده خواهند کرد. به دنبال این حوادث پاسداران برای از هم ناسدن اجتماع در خیابان شروع به تیسر - اسداری هوایی کردند، با توجه به این - جریانات چندتن از بزرگان و اردو وزارت بهداشتی شده و با دکتر سالی وزیر بهداشتی شروع به مذاکره کردند. در جریان این مذاکرات دکتر سالی با ابراز تاسف از اتفاقاتی که در چند روز اخیر افتاده و منجر به شهادت دکتر رشوند شده است قرار گذاشتند که همگسی فردا یعنی یکشنبه ۵۸/۶/۴ در محل آمفی - تاتر بیمارستان امام خمینی (هزارتخت‌خوابی) جمع شده و با حضور خودایشان و نماینده دادستان انقلاب اسلامی شهران دلایل و مدارک موجود بر علیه شهید دکتر رشوند اقامه شود تا به اطلاع عموم بزرگان و پرستاران که در حقیقت نماینده‌هایی از کادرهای درمانی ایران هستند برسند و ماهیت واقعی جریانات کردستان بر همه روشن و افشاء شود.

ما پیشاپیش می‌دانیم که دلایل اقامه شده هرچه که باشد تغییریری در اصل قضیه که اعدام ناجوان نمرده‌اند یک پزشک میسارز و متعهد است تغییریری نخواهد کرد ولی بسا

توجه به مصاحبه‌ای که شیخ صادق خلخالسی روز قسل (۵۸/۶/۲) با صدای جمهوری اسلامی داشته و با توجه به دلایلی که برای شهادت دکتر رشوند آورده است لازم می‌دانیم که نکات زیر را متذکر شویم :

۱ - اولاً این اولین بار نبود که دکتر رشوند برای رساندن کمک و اقدامات درمانی در مورد محرومان به یک قسمت از مملکت مسافرت می‌کرد، چرا که در زمان رژیم کشف پهلوی هم همراه با عده‌ای از بزرگان و پرستاران از طرف کمیته امداد آیت‌الله طالقانی به نیاوند سفر کرد و در شرایطی که هنوز رژیم پهلوی حاکمیت ننگین خود را اعمال میکرد و کمتر کسی حاضر به قبول چنین مسئولیت خطیری بود به کمک محرومان حوادث حونس نیاوند شناخت. بعداً بسا حضور خود در حوادث فروردین ماه سنندج و سپس در گنبد به ادامه رسالت انسانی خویش پرداخت، مضافاً به اینکه در جریان - نات قسل از انقلاب شکوهمند بهمن ماه در تمام تظاهرات حضور داشت و حتی روز ورود امام خمینی به ایران مسئول گروه پزشکی مستقر در مسدان منبیره بود. بنا بر این - ضرب حضور در یک شهر با یک منطفه برای کمک - های پزشکی جرم محسوب نمی‌شود.

۲ - دکتر رشوند بنا به مدارک موجود در ساعت ۸ سداز طبق حسیه ۵۸/۵/۲۶ بسا اوسوس از تهران به سمت پاوه حرکت کرده و برخلاف کفمه شخ صادق خلخالسی همراه گروه خاصی هم اعرام شده بود و به تنهایی اقدام به اس مساعت کرده بوده است. دیگر استکه وقتی دکتر رشوند در تاریخ شنبه ۵۸/۵/۲۷ به پاوه می‌رسد بنا به گفته خود آقای خلخالسی اغتشاشات فروکش کرده بوده است و اوضاع تحت کنترل ارتش و پاسداران بوده و بسا سار این درگیری به آن شدت که ایشان گفته‌اند نمی‌توانسته اتفاق بیافتد.

۳ - دلیل دیگر آقای خلخالسی این است که ایشان کرد نبوده‌اند، ما می‌پریم مگر هر پزشک که در یک منطفه کار می‌کند الزاماً باید به زبان همان محل صحبت کند به این معنی که یک پزشک ترک نمی‌تواند در بلوچستان مشغول به کار باشد چرا که به زبان بلوچی آشنائی ندارد ؟

در رابطه با همین مسئله لازم به یادآوری است که تنها پزشک شهر همراه یک بهیار در همان بیمارستان پاوه در روزهای اول جنگ توسط پاسداران کشته شده و در حقیقت شهر بدون پزشک بوده است. باز در ارتباط با همین قضیه آقای خلخالسی گفته است که دکتر رشوند با اینکه کرد نبوده لباس کردی پوشیده بوده است که ما باز سوال می‌کنیم آیا پوشیدن یک لباس می‌تواند دلیلی برای وارد کردن اتهام باشد ؟

۴ - در انتها ماتی که آقای خلخالسی به دکتر رشوند وارد کرده سخنان متناقضی وجود دارد به این ترتیب که یکجا ایشان عنوان کرده‌اند که شهید دکتر رشوند عضو حزب دموکرات بوده و از طرف دیگر در جای دیگر عنوان کرده‌اند که ایشان با فدائیان خلق همکاری داشته است. اولاً دکتر رشوند به هیچ وجه با حزب دموکرات یا هر سازمانی در ارتباط نبوده و ثانیاً کسانیکه مختصر اطلاعاتی از جریانات سیاسی و ایدئولوژیک جامعه ما دارند میدانند که مشی عقیدتی این دو گروه سیاسی مغایر با یکدیگر بوده و ارتباطی بین آنها موجود نیست.

۵ - آقای خلخالسی در جریان صحبتشان چندبار به مسئله تجزیه کردستان بعنوان خواست حزب دموکرات تری همینطور دکتر رشوند اشاره کرده است که با توجه به دلایل عدیده و اعلامیه های متعدد و مصاحبه های رهبران سیاسی کردستان مسئله تجزیه طلبی اصلاً در مورد این خطه مطرح نیست و تنها خواست خلق کرد حق خودمختاری خلق کردستان در چارچوب ایرانی آزادارائی می باشد. بنا بر این استناد به چنین دستاویزهایی همان ها است که شاه مزدور و همدستان کثیفش انجام می دادند.

۶ - در پایان مصاحسه شیخ صادق خلخالسی عنوان کرده است که این پزشک سرم - های خون مریض ها و پاسداران مجروح را می - کشیده و داروهای آنها را به سرقت میبرد و در اختیار اعضای حزب دموکرات قرار میداده که اولاً نه این مسئله ثابت گردنی است و نه اینکه این عمل کثیف و غیر انسانی در شان یک پزشک متعهد است که به بارها صداقت و ایمان واقعی خود را به خلقها ثابت کرده است. با توجه به دلایل فوق و بسیاری دلایل دیگر ما بزرگان و پرستاران و تمام کادرهای درمانی متعهد در جلسه عمومی که فردا یکشنبه ۵۸/۶/۴ در آمفی تاتر بزرگ بیمارستان امام خمینی جمع می شویم تا شاهد روشنگری حسابات و جریاناتی باشیم که تا خواسته از طرف امپریالیسم و ارتجاع به خلق های ایران تحمیل می شود.

زنده باد یادشیدان بخون خفته خلق
مرک برا امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن
برقرار باد اتحاد شکوهمند خلقهای ایران

گروهی از بزرگان و پرستاران
بیمارستانهای تهران

۱۳۵۸/۶/۲

اخبار

☆ - ۲۹ مرداد

ارتجاع در شهرهای کرمانشاه ، قصرشیرین ، سرپل ذهاب و کرند بسیاری از مبارزین کمونیست (معلم ، دانشجو ، دانش آموز) را دستگیر کرده و تاکنون تعدادی از آنان را تیرباران کرده است .

☆ - ۹ شهری که رور سه سینه ۴۰ مرداد ماه خبر اعدام آنان در باوه انتشار یافته هیچ وجه در جریان درگیریهای باوه نبوده اند . آنان انقلابیو-نی هستند که از سایر شهرهای منطقه دستگیر شده و از زندان کرمانشاه به باوه انتقال داده شده و در آنجا تیرباران شده اند .

☆ - تعدادی از دانشجویان پیشگام و مبارز کرمانشاه دستگیر شده اند و تعدادی هم از بیم تهاجم ارتجاع به شهرهای دیگر رفته اند .

☆ - در جریان درگیریهای باوه رادیو کرمانشاه به مردم توصیه می کند که معلمی را که دهقانان و زحمتکشان را تحریک !! کرده اند معرفی نمایند .

☆ - در بین تیرباران شدگان مرحله اول (ده نفر) پسر ۱۶ ساله ای بود که فروشنده نشریات مارکسیستی - لنینیستی بوده است .

اخبار سنج

☆ - ۵۸/۵/۲۷ - در حدود ۶۰ یاسدار که می خواستند از میاندوآب به سب سنج و باوه بروند خلع سلاح شده و از حرکت آنان جلوگیری می شود .

☆ - تمام اهالی دهات کنار جاده های منتهی به کردستان ، به نیروهای انقلابی کمک می کنند و در بازرسی ماشین ها آنان را مساعدت می نمایند .

☆ - ۵۸/۶/۱ - یک گردان که از سنج به عنوان نیروی کمکی عازم بقر بود (گفته می شود که این گردان دارای ۳۸ عدد تاک بوده است) در ۵ کیلومتری سبز با حمله نیروی مردم روبرو گشته و از هم باسیده می شود . در

این جریان ۱۲۰ نفر از نیروهای نظامی کشته و ۱۵۰ نفر از مردم به شهادت می رسند . در این میان سلاحهای نظامی توسط مردم ضبط می شود . در رابطه

با این درگیری هنتی از ارومیه به مهاباد برای مذاکره می رود ولی نتیجه ای حاصل نمی شود . نمایندگان کردها در این دیدار ملارحیم عباسی - رئیس شورای سهر - رحیم قاضی و عده ای دیگر بودند . هیئت ارومیه ای از

نمایندگان خلق کرد دعوت می کند که برای مذاکره به تهران بیایند .

☆ - شایع است در مراغه بین ارتش و یاسداران اختلاف بروز کرده و در نتیجه به زدو خورد بین ارتش و یاسداران انجام می دهد . قضیه از آنجا آغاز

می شود که به ارتش دستور حرکت به سوی مهاباد را می دهند ولی

ارتشیان " تمرد " می کنند و می گویند ما به برادر کشی نمی رویم .

☆ - سنج - ساعت ۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۵/۲۸ به این بهانه دروغ و خیر جعلی که گویا کردها زنان سنج را در مسجد جامع شهر گروگان

گرفته اند ، فرمان لشکر کشی به سنج صادر شد ! ارتجاع می خواست با این خیر جعلی که بلافاصله بوسیله استاندار کردستان تکذیب شده بود از احساسات مردم سودجسته و آنان را بر علیه خلق کرد برانگیزد .

اعزام نیرو تا صبح روز ۵۸/۵/۲۹ همچنان ادامه داشت . یاسداران و ارتش به محض اشغال شهر ، شروع به خانه گردی و دستگیری مردم در منزل و کوجه و خیابان نمودند ، که تا عصر همان روز تعداد دستگیر شدگان

به ۳۰۰ نفر بالغ گشت . خانواده های زندانیان در استانداری و سپس در دادگستری تحصن نموده و خواهان آزادی عزیزان خود شدند . ضمانت نامی

کتابخانه ها و کتابفروسی ها نیز به اشغال قوای نظامی درآمد .

بقیه در صفحه ۶

بسم الله الرحمن الرحيم
روستائیان شرافتمند و زحمتکش مریوان!

اهالی مبارز شهر مریوان!

تشکیل اتحادیه دهقانی مریوان و اورامان و توسعه فعالیت های آنها بهیچ شائبه شریک نمیگوشیم . همانطوریکه بارها اعلام داشته ام اعتقاد عمیق من بر اینست که خودمختاری واقعی کردستان در چهارچوب یک ایران آزاد تنها هنگامی عملی میشود که کارگران و دهقانان بتوانند سهم اساسی را در اداره امور به عهده بگیرند . در واقع خودمختاری خلق کرد برپا به اتحادیه های زحمتکشان استوار خواهد بود . امیدوارم روحانیون مبارز در تقویت اینگونه اتحادیه های زحمتکشان بکوشند و بدانند که اهالی می توانند ذکات شرعی خود را در اختیار این اتحادیه های دهقانی قرار دهند زیرا فلسفه و هدف از ذکات شرعی ، مصرف آن در راه آبادانی و ترقی و سعادت عمومی است . چنانکه خود علما اعلام می دانند یکی از مصارف ذکات (فی السبیل الله است) که به مصالح عمومی تفسیر شده ، به " فی ظلال القرآن تفسیر سید قطب مراجعه شود " . به امید موفقیت برای همه ملت مسلمان کرد .

سید عزالدین حسینی
۱۳۵۸/۴/۲۷

درگیری بین اتحادیه دهقانی

تپله کو و اربابان منطقه

اتحادیه دهقانی تپله کو که از ۴۸ د تشکیل شده است یکی از بزرگترین اتحادیه های دهقانی است که توسط زحمتکشان روستا به وجود آمده است . اربابان این منطقه بعد از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه جلاص تصمیم می گیرند که تا حد امکان نظام ارباب و رعیتی را بشکل سابق مجدداً احیا کنند . در اجرای این سیاست به تاریخ ۵/۱۵ چند کمپاین را به زمینهای روستائیان ده " تازه آباد " وارد کرده و به برداشت محصول اقدام می کنند . اما اتحادیه دهقانی تپله کو بشت با آنان به مبارزه برمی خیزد و ۱۷ نفر از اربابان را دستگیر می کند که بعداً با گرفتن ۲۰ هزار تومان خسارت آنان را آزاد می کنند . و در ضمن ۲ کمپاین ، ۴ تراکتور ، ۳ لندرو ، ۱ رنجور ، ۱ جیب و یک ژبان را به نفع اتحادیه دهقانی ضبط می کنند . اربابان دستگیر شده توسط اتحادیه دهقانی ، همان هایی بودند که یکمک علی اشرف حسان دستگیری، حادثه ده کوفتو را بوجود آوردند .

ما نمی میریم

در زیر تیغ سلطنت پنجاه ساله ننگین
در زیر رگبار مداوم توپ و تانکها
در زیر شکنجه ها و وحشت زندان
ما کشته دادیم و زجر کشیدیم ،
اما هرگز ، هرگز نمردیم .

پای مقاومت سخت توده ها
سنگین و استوار به پیش رفت
و در میانه شطی سرخ
بهمن خونین سرکشید
لیکن ، قیام بهمن مردم ،

- وقتی که او ستاره سرخی بر تارکش
نداشت!

در معرض باد های مسموم زمستانی
و در هجوم دستهای سیاه و پنهانی
افول کرد

اینک ، نگاه کن ، ببین
مهاجمان تازه چگونه می نازند :
ورق های دانش تکه تکه می شوند
فریاد های آزادی مردم
میان خیابانها خونین میشوند
و توده های کارگر و دهقان
در اسارتی تازه می آیند .

و مادران داغ دیده دوباره می گویند :
آه ، باز هم شهید!

به مهاجمان تازه بگوئید
ما نمی میریم ،
بر سینه های خویش گلبوته های گلوله را
پذیرائیم
و گلبوته های حلقه زنجیر را
بردست و پای خویش می پذیریم

لیکن ، هرگز سربدر گاه چرکین شما
نمی سائیم

ما از تبار تسلیم نیستیم
ما نفسی میریم .

می دانیم از اسارت امروز تا آزادی فردا
راهی دراز و خونین است .
می دانیم شخم های شکنجه
بر بدن ما دوباره شیار خواهند کشید
می دانیم فرزندان خاک اسیر ما ،
بر چوبه های دار جای خواهند گرفت
می دانیم باد های متعفن و مسموم ،
برین سرزمین باز خواهند وزید .

می دانیم ، می دانیم ،
لیکن ، ما نمی میریم ،

ما از تبار تسلیم نیستیم
ما به فردای سرخ می اندیشیم .

۵۸/۵/۲۸

بقیه از صفحه اخبار

☆ - ساعت ۹ شب ۵۸/۶/۵ رادیوتهران خبر اعدام ۸ نفر را در سنجج به
جرم قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی اعلام کرد که دونفر از آنها که
با هم برادر بودند بنا مهای شهریارنا هیددا نشجوی سال چهارم دانشکده
پزشکی دانشگاه تهران و حسن ناهید دانشجوی دانشکده پلی تکنیک تهران
با استفاده از تعطیلات تابستانی برای دیدار والدین شان به سنجج
رفته بودند . این دو برادر از دانشجویان فعال و انقلابی بودند و در
سالهای پیش در رژیم شاه در پیشبرد جنبش دانشجویی نقش فعال داشتند .

نگراف يك پاسدار به والدین خود

پدر و مادر حال من خوب ، اکنون در کردستان بر اثر نا آگاهی به
برادر کشی کشانده شدیم همه دروغ بود . همه فریب ، متمدن ترین ، انسان
ترین افراد در اینجا هستند ، بخدا برادر کرد مهربانترین برادر است
خواهش می کنم این را به همه بگوئید همه اشتباه می کنند حتی رهبر
انقلاب . با ما نهایت انسانیت رفتار می کنند . اصلا نگران نباشید من
برمی گردم . جواب فوری فوری قبول است . فرزندت ...

اسم و آدرس محفوظ

۱۳۵۸/۶/۳

توده های مبارز!

خواست بحق خلق کرد خود مختاری و ریشه کسن
ساختن بقایای ارباب و رعیتی می باشد .
حل انقلابی مسئله کردستان تنها با جلب
اعتماد و پشتیبانی توده های کرد و از طریق
برسمیت شناختن حق خود مختاری و حل مسئله
زمین بنبغ دهقانان امکانپذیر است .

دولت با سرکوب خونین توده های کرد و
برانگیختن احساسات پاک مذهبی توده ها بر
علیه خلق کرد و اطلاق "تجزیه طلبی" و " ضد
انقلاب" به آنان ، نه تنها مسئله کردستان را
حل نمی کند ، بلکه با شکاف انداختن بین خلق
های ایران هر چه بیشتر انقلاب را تضعیف
می کند . ارتجاع و فرصت طلبان را در کردستان
تقویت می کند و موقعیت سرسپردگان امپریا -
لیسم را در درون ارتش ، ادارات ، کارخانه ها
و ... هر چه بیشتر تقویت می نماید .

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۶/۳

دست از تجاع از کردستان کوتاه

در کردستان چه میگذرد؟

در رابطه با هجوم ارتش و پاسداران به خلق کرد و اشغال سنج ، مردم کردستان برای دفاع از آزادی و حقوق انسانی خود بپا خاسته‌اند ، کلیه نهادهای سیاسی منطقه که طرفدار آرمان زحمتکشان می‌باشند در یک جبهه "مقاومت متحد خلق" گرد آمده‌اند تا بکمک شیرزبان و شیرمردانسی که در شهرهای مهاباد و سنقر و بانه و سردشت به ایجاد هسته‌های مقاومت در مقابل هجوم عوامل ارتجاع و امپریالیسم دست زده‌اند بشتابند ، طبق آخرین خبرها در مهاباد حتی زنان و بچه‌ها آموزش نظامی دیده و مهیای دفاع از شهر می‌شوند . شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی خلق کرد طی نامه‌ای به سازمان ملل وضع دردناک مردم کردستان و توطئه عوامل ارتجاع و امپریالیسم را بازگو کرده است .

در رابطه با اعدام‌های اخیر مبارزان در قهرمانشهر (کرمانشاه) و پاوه ، بایستی بگوئیم که اکثر این افراد عناصر مبارز کمونیست بوده‌اند که در رابطه با گروه‌های سیاسی طرفدار طبقه کارگر و چریک‌های فدائی خلق فعالیت می‌کردند و چند تن از آنان از رهبران اعتصاب معلمان کرمانشاه در زمان شاه خائن بوده‌اند که در رژیم سابق به زندان افتاده بودند ، رژیم جدید این عده را فقط و فقط بجرم داشتن عقاید چپی دستگیر و اعدام نموده . بیشتر این افراد اساساً به پاوه قدم گذاشته‌اند جوانی ۱۶ ساله که در میان این افراد بود ، فقط بجرم فروختن روزنامه‌های دست چپیی اعدام گردیده است .

خلقهای قهرمان ایران برای جلوگیری از کشتار وحشیانه مردم کردستان و افشای دسایس ارتجاع و امپریالیسم بپاخیزید !

(رزمندگان آزادی طبقه کارگر)

۱۳۵۸/۵/۳۰

بقیه از صفحه ۱

● دست‌امپریالیسم از آبتین نگاه نمی‌کنند . سابقه درخشان مبارزاتی هرمز و اعمال و رفتار انسانی و انقلابی او تمام تبلیغات دروغین مصادر قدرت را نقش بر آب می‌کند و آنهایی هم که ناآگاه هستند یعنی به ماهیت حکومت و ماهیت انقلابیون حامی زحمتکشان آگاه می‌نارند دیری نخواهد پایید که آگاه می‌شوند و آنوقت این تفالیه‌ها را که به میوه چینی انقلاب پرداخته‌اند و مستقیم و غیرمستقیم به امپریالیسم جنایتکار خدمت می‌کنند به زباله‌دان تاریخ خواهند افکند . " هرمز " در زمان شاه خائن ، هنگامیکه دانشجوی دانشگاه تبریز بود به اتهام خرابکاری (قدر شبیه اتهامی است که بوسیله رژیم ضد انقلابی کنونی به او زده شد ، اتهامی که به شهادت او منجر گشت) توسط ساواک دستگیر و زندانی شد . مدت محکومیت او که سه سال بود سراسر مقاومت دلبرانه برعلیه رژیم شاه و شکنجه‌گران آریامهری بود . و هر قدر هاری و سببیت شکنجه‌گران بیشتر میشد ، شدت مقاومت " هرمز " افزایش می‌یافت . او سرانجام بعد از سبزی شدن دوران سه ساله محکومیتش با دستی نیمه فلج و اعصابی خرد شده از زندان بیرون آمد . " هرمز " در زمان اوجگیری مبارزات توده‌های مردم در سالهای ۵۷ - ۵۶ با تعداد دیگری از معلمان انقلابی ، کانون فرهنگیان کرمانشاه را بنیان گذاشت . در اجتماعات این کانون در افشاکری وسیع برعلیه رژیم و دادن آگاهی و بینش انقلابی به دیگران نقش مهمی را عهده دار بود . او شخصاً به شهرستانهای مختلف سفر می‌کرد و نیز امر توزیع و پخش اعلامیه را در سراسر استان به عهده داشت . " هرمز گرجی بیانی " نقشی بسیار فعال و تعیین کننده در شکل و پیشبرد مبارزه سیاسی معلمان و محصلین کرمانشاه عهده‌دار بود و هنگامیکه تعدادی از معلمان مبارز توسط رژیم شاه دستگیر شدند ، مخفی شد و مخفیانه به انجام وظایف انقلابی خود و دادن رهنمود به یاران انقلابی خود پرداخت . اما پس از قیام بهمن ماه و سقوط رژیم شاه ، با اینکه روز بروز چهره خلقی او برای نیروهای مترقی و زحمتکشان بیشتر شناخته میشد و مهر او در دل‌های بیشتری راه باز می‌کرد ، افزایش موج ضد کمونیستی که در خفا دستهای خونین امپریالیسم آمریکا آنرا راه می‌اندازد ، " هرمز " را هم مصون از ضربات خود نگذازد ، همان طور که سایر مبارزین صدیق و جان برکفی

که خالمانه به توده‌های زحمتکش عشق می‌ورزیدند و نسبت به امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا تخم کینه و نفرت می‌پاشیدند در امان نماندند . آخوندهای مرتجع و " مجاهدین " بعد از انقلاب ، تهمت‌های فراوانی را نسبت به او وارد نمودند . او را کافر ، فاسد ، ضد انقلاب و ... خواندند . ولی این تبلیغات حاسیان سرمایه‌داران نمی‌توانست هرمز را که حامی و مدافع زحمتکشان و بویژه طبقه کارگر بود از میدان بدر ببرد . او بصورت نیمه مخفی به فعالیت خود ادامه می‌داد . در جریان درگیریهای نقده ، مریوان و ... با جمع - آوری و ارسال غذا و دارو به کمک انقلاب - بیون کرد شتافت و در جهت ایجاد پشت جبهه برای خلق کرد از جان و دل مایه گذاشت . هرمز که نمونه‌ای از هزاران انقلابی - کمونیست بود ، انقلابیونی که بی باکانه و سازش‌ناپذیر برعلیه سرمایه و سرمایه‌داری وابسته می‌رزمند ، توسط ضد انقلابیون مرتجع به اتهام‌واهی اغتشاش و تحریک در پاوه در حالیکه اصلاً به پاوه نرفته بود از خانه‌اش در کرمانشاه دستگیر شده و همراه با انقلابی دیگر اعدام می‌گردد . آری ، شهادت هرمز و هرمزها بدست قدرت حاکمه که در پی شتاج حساب شده به پاوه و بزرگ کردن آن صورت گرفت ، در واقع جز " مهمترین و باثباته مهمترین هدف ارتجاع بود . شکار انقلابیون و بویژه کمونیستها مورد نظر قدرت حاکمه بود و تاکنون در کردستان در موارد زیادی بدان دست زده و با زدن انگ " ضد انقلابی " بدانتها قلبهای پرطیش آنان را که تنها در راه میهن و زحمتکشان می‌طبد ، در جهت منافع و مطامع امپریالیسم از حرکت بازمی‌دارد ، و اگر انقلابیون و کمونیستهای سراسر ایران به طرز آگاهانه و متشکل به مبارزه با این توطئه بزرگ امپریالیستی و ارتجاعی بر نخیزند ، دیر یا زود در سایر شهرها و نقاط ایران موج کشتار انقلابیون راستین برهبری و با تحریک امپریالیسم و ارتجاع و بدست‌عمال آنها و بعضاً مردم ناآگاه صورت خواهد پذیرفت . پس در جهت مقابله با ارتجاع و امپریالیسم هوشیار و کوشا باشیم .

گواهی با دخاله هرمز گرجی بیانی و دیگر انقلابیونی که در حوادث اخیرنا جوانمردانه توسط عوامل امپریالیسم و ارتجاع شهادت رسیدند .

برقرار باد خودمختاری خلقها در چهارچوب ایرانی دموکراتیک

پیام:

عزالدین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مسلمان ایران همه می -
 دانند مسئله شرکت نکردن در رفتارندم که آن
 هم به علت مبهم بودن محتوی جنبش -
 اسلامی سوزهای است برای دست اندر کساران
 حکومت ، با وجود اینکه بارها حتی همان
 روزهای اول در روزنامه ها و مطبوعات اعلام
 داشتیم که معتقد به اهداف انقلاب هستیم و
 ایمن را سخ به مبانی دین مقدس اسلام داریم
 ولی اصول قانون اساسی که هنوز تدوین
 شده و محتوایش معلوم نیست نمی توان در -
 باره آن قضاوت نمود که حد در صد اسلامی و قرآنی
 است . چون در گذشته و حال هم حکومت هایی
 داشته و داریم بنام حکومت اسلامی که کمتر
 به اصول اسلامی دوران تصویب مذهبی خاص
 و اغراض پایبند بوده و هستند . حال که
 مسئله رفتارندم به اصطلاح پیراهن عثمان
 شده است که به مناسبت و بی مناسبت به رخ
 ما کشیده میشود و رادس و تلویزیون نیز از
 قول مقامات آنرا تکرار می نمایند باید
 بگوئیم آن وقت برای اشخاص آگاه و مستقل

محتوای جمهوری اسلامی مبهم بود ! و لسی
 حا - برای همه کاملاً آشکار است که حکومت
 بسوی دیکتاتوری جدید سوق داده و خفقان و اختناق
 به وجود آورده بخشی است از این قانون
 اساسی . سلسله آزادی مطبوعات و روزنامه ها و
 حمله به کتابخانه ها و نشرها و موقوفات و
 مردمی را می توان سهمی از دستاوردهای
 انقلاب اسلامی دانست . حمله عناصر معلوم -
 الحال که از طرف دستگاه حاکمه تقویت
 می شوند و از نظرات آرام و برگزاری
 مستنک و کنفرانس جلوگیری نمودن و ضرب
 و جرح اشخاص بی دفاع را بنام دفاع از حوزه
 اسلام همه جزو مظاهر با شکوه انقلاب
 هستند . پیاده کردن پاسداران غیر بومی در
 مناطق کردستان و در اختصار گذاشتن
 اسلحه به عناصر مرتجع بخاطر ایجاد آشوب
 و بلوا و درگیری یکی دیگر از مظاهر با
 شکوه انقلاب است . اعدام و کشتن افراد
 بی گناه و تیرباران کردن جوانان انقلابی
 عرب و ترکمن و کرد بدون محاکمه فقط به
 جرم آزادیخواهی و مبارزه برای کسب حق
 تعیین سرنوشت نیز یکی دیگر از محتوای
 جمهوری اسلامی است ، که می بایست به آن
 رای بدیم . آری ، دستگیری و بازداشت
 گروههای مختلف از فرزندان راستین خلق و
 آزار و شکنجه و اعدام آنان ایجاد ترس و

وحشت و جنگ روانی و تحریف واقعات نیز از
 مظاهر این انقلاب است . تدوین قانون
 کذب بی در مجلس خبرگان بجای مجلس موسسان
 و انتخابات فرمایشی و قلابی و مانع از
 شرکت نماینده کرد با شهید و ارباب یکی
 دیگر از نشانه های مساوات و رعایت عدالت
 اجتماعی و توجه به حقوق خلقها می باشد .
 لذا همه می دانیم چرا رادیو و تلویزیون
 بیشرمانه دم از توییح کسانی می زنند که
 در چنین رفتارندمی شرکت نکرده اند و آنرا
 بهانه برای سرکوبی و حمله به ما
 خواهند کرد . ما باری دیگر قاطعانه به ملت
 شریف و مبارز ایران اعلام می داریم که
 خلق کرد تا نیل به حقوق حقه خود یعنی
 حق تعیین سرنوشت برای خود و سایر خلقهای
 ایران در چهارچوب ایران آزاد و مستقل
 سگر حق طلبانه خود را خالی نخواهند کرد
 و لحنه های از مبارزه باز نخواهد ایستاد و
 در این مبارزه از کلبه ملت عزیز و مسلمان
 ایران خواستار پشتیبانی هستیم و انتظار
 داریم ز سر پوش کلمه مقدس مذهب فریب
 تسلیفات زهر آگین که نتحهای جز بنادر -
 کشی و کشتار بکند بگر نخواهد بود نخورند .
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

سید عزالدین حسینی
 ۱۳۵۸/۵/۲۱

اطلاعیه و قطعنامه

کلیه پزشکان و پرستاران و کادر
 درمانی بیمارستانهای آموزشی تهران در
 گردهمایی روز ۵۸/۵/۲۱ پس از بررسی و
 مطالعه در احوال دکتر جراح ابوالقاسم
 رشوند سرداری که بشرح زیر است و پس از
 شور و بررسی ، عمل ارتجاعی و ضد انقلابی
 اعدام دکتر رشوند را محکوم نموده و نا
 دستگیری و محاکمه عامل اصلی جنایت
 هولناک بیمارزه خود علیه ارتجاع ادا شده
 داده و خواستار اجرای مفاد قطعنامه زیر
 از تمام مراجع مسئول هستیم :

- ۱ - دستگیری عاملین جنایت و محاکمه در
 دادگاه علنی با شرکت آزاد مردم و پزشکان .
- ۲ - تامین شغلی پزشکان و احترام به
 ساخت مقدس مراکز درمانی و تضمین قانونی
 آن .
- ۳ - اعلام خبر حقیقی واقعه از رادیو و
 تلویزیون و درج آن در کلیه روزنامه ها و
 وسائل ارتباط جمعی .

۴ - از کلیه وکلای مبارز و متعهد سراسر
 ایران خواستار دفاع از آزادی بطور تمام
 و دفاع از حقوق از دست رفته پزشکان
 بالخصوص دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری هستیم .
 ۵ - تا دستیابی به کلیه خواسته های خود از
 بازگشت سرکار خودداری نموده و در جلسو
 وزارت بهداشت تجمعی خواهیم کرد (ساعت ۹
 صبح روز شنبه ۲ شهریور)
 بدیهی است کلیه بیماراران اورژانس در
 هر شرایطی پذیرفته و درمان خواهند شد .
 ۶ - با توجه به شناخت دقیق از دکت
 جراح شهید ابوالقاسم رشوند سرداری نیازی
 به ارائه مدارک دادگاه ضد انقلابی نداریم .
 زیرا :
 دکتر شهید ابوالقاسم رشوند سرداری
 متولد و اهل تهران در هنگام شهادت ۲۷
 ساله و از پزشکان مبارز و انقلابی بوده
 که در تمام دوران انقلاب ایران فعالیت
 هایش دلیل بر صداقت و ایمان وی به
 پیروزی انقلاب ایران و تعهدش به مردم سبب
 شده بود که از وی انسانی والا و مبارز
 بسازد . در جریان کشتارهای نهادند بسا
 همکاری گروه امداد پزشکی آیت الله
 طالقانی بمدت چند روز حاشیانی ها و

فداکاریهای بی مانندی از خود نشان داده
 است که در روزنامه ها نیز درج شد .
 در جریان کلیه کشتارهای تهران به
 دست رژیم سابق بخصوص روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن
 و روزهای متوالی بعد از آن در بیمارستان
 مجدانه مشغول درمان و جراحی مجروحین
 بوده است .
 در جریان کلیه راه پیمان شکنی بخصوص
 روز ورود آیت الله خمینی ، ایشان سرپرست
 گروه امداد میدان منیریه بوده اند .
 در جریان حادثه سندخ برای درمان
 مصدومین همراه گروه امداد بیمارستان به
 آن منطقه رفته اند و از خود فداکاریهای
 زیادی نشان داده اند ، اینبار نیز بسرای
 انجام تعهد پزشکی و مردمی خویش عازم پاره
 شد ، اما از آنجا که ارتجاع همواره شکارچی
 خادمین بیعت است فاجعه آفریدنا جوانمر -
 دانه این پزشک متعهد را در سراپر جوخه
 اعدام قرار داد .
 با توجه بمسائل بالا و با توجه به
 اینکه دکتر نامبرده بهیچ گروه و حزب
 سیاسی وابسته نبوده است ، اعلام وابستگی
 ایشان به حزب دموکرات کردستان نیز بسیار
 احتمال می باشد .

نابود باد تو طمه های ارتجاع و امپریالیسم بر علیه خلق کرد